ISSN: 2717-3216 *Volume 12, Issue 2 (2025), 111-126* https://www.ijfpjournal.ir/

Iranian Journal of Family Psychology

Research Paper

https://doi.org/10.22034/ijfp.2026.2074240.1455

Predicting Marital Stability Based on Attachment Style, Differentiation and Conflict Resolution Strategies in Couples with and without Stable Marriages

Mahtab Mohammadi Abdehvand[1], Mostafa Dehghani[2*], Mahnaz Joukar KamalAbadi[3], Feyzieh Hooshmand[4]

1. M.A. Student in Family Counseling, Department of Psychology, Persian Gulf University, Bushehr, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Persian Gulf University, Bushehr, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Persian Gulf University, Bushehr, Iran.
4. M.A. in Educational Psychology, Department of Psychology, Persian Gulf University, Bushehr, Iran.

Article Info.

Received: 10 September 2025

Revised: 3 November 2025

Accepted: 27 December 2025

Keywords:

Marital Stability,

Attachment Styles,

Differentiation,

Conflict Resolution Strategies

***Corresponding author**
Email: m.dehghani@pgu.ac.ir

Abstract

Abstract

Marital stability is a key concept in marital relationships, referring to the continuity and durability of the marital bond over time. The present study aimed to distinguish between couples with stable and unstable marriages based on attachment styles, self-differentiation and conflict resolution styles in Bushehr Province, Iran. This study employed a descriptive–correlational design with a predictive approach. Discriminant function analysis was conducted to identify the variables that best distinguished couples with stable marriages from those with unstable marriages. The statistical population consisted of married individuals residing in Bushehr Province, Iran, in 2024. Based on the cutoff score of the Marital Instability Index (MII), 113 participants were classified into the stable-marriage group and 113 into the unstable-marriage group. Data were collected using the Marital Instability Index (MII), the Revised Adult Attachment Scale (RAAS), the Differentiation of Self Inventory–Short Form (DSI–SF), and the Rahim Resolution Styles (RRS). The data were analyzed using discriminant function analysis in SPSS. The results indicated that attachment styles (avoidant and anxious), self-differentiation and conflict resolution styles (integrating, avoiding, dominating, compromising, and obliging) significantly discriminated between the stable- and unstable-marriage groups (Wilks' Lambda = .68, $\chi^2 = 83.71$, $p < .001$). These findings suggest that the identified variables play an important role in differentiating individuals with stable marriages from those with unstable marriages and may serve as key indicators in the assessment of marital stability.

How to Cite:
MohammadiAbdevand, M., Dehghani, M., Joukar KamalAbadi, M., Hooshmand, F. (2025). Predicting Marital Stability Based on Attachment Style, Differentiation and Conflict Resolution Strategies in Couples with and without Stable Marriages. *Iranian Journal of Family Psychology. 12*(2), 111-126.
https://doi.org/10.22034/ijfp.2026.2074240.1455

©The Author(s). Published by Family Psychology Association of Iran.
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

ISSN: 2717-3216 https://www.ijfpjournal.ir/

روانشناسی خانواده
دوره دوازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۴



مقاله پژوهشی

پیش بینی پایداری ازدواج بر اساس سبک دلبستگی، تمایز یافتگی و راهبردهای حل تعارض در زوج‌های با و بدون زندگی زناشویی پایدار

مهتاب محمدی عبده‌وند[۱]، مصطفی دهقانی[۲*]، مهناز جوکار کمال آبادی[۳]، فیضیه هوشمند[۴]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه روانشناسی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.
۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.
۳. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.
۴. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۹
بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۲
پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶

کلیدواژه‌ها:
پایداری ازدواج،
سبک دلبستگی،
تمایزیافتگی،
راهبردهای حل تعارض

چکیده

پایداری ازدواج یکی از مفاهیم کلیدی در روابط زناشویی است که به تداوم و ماندگاری پیوند زوج‌ها در طول زمان اشاره دارد. هدف پژوهش حاضر، تمایز زوج‌های دارای زندگی زناشویی پایدار و ناپایدار بر اساس سبک‌های دلبستگی، تمایزیافتگی و شیوه‌های حل تعارض در استان بوشهر بود. روش پژوهش از نوع توصیفی ـ همبستگی با طرح پیش‌بینی بود که در آن از روش تحلیل تمیز برای شناسایی متغیرهای متمایزکننده زوج‌های با زندگی زناشویی پایدار و ناپایدار استفاده گردید. جامعه آماری شامل افراد متأهل ساکن استان بوشهر در سال ۱۴۰۳ بود که بر اساس نقطه برش شاخص عدم ثبات زناشویی، ۱۱۳ نفر در گروه دارای زندگی زناشویی پایدار و ۱۱۳ نفر در گروه دارای زندگی زناشویی ناپایدار قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های؛ شاخص عدم ثبات زناشویی (MII)، سبک‌های دلبستگی (RAAS)، تمایزیافتگی (DSI-SF) و شیوه‌های حل تعارض (RRS) گردآوری و به روش آماری تحلیل تمیز و با نرم افزار آماری SPSS تحلیل شدند. نتایج نشان داد که سبک‌های دلبستگی (اجتنابی و اضطرابی)، تمایزیافتگی و شیوه‌های حل تعارض (یکپارچه، اجتنابی، مسلط، مصالحه‌ای و ملزم شده) به‌طور معناداری توانایی تمایز و طبقه‌بندی افراد در گروه‌های دارای زندگی زناشویی پایدار و ناپایدار را دارند ($p < ۰/۰۰۱$، $\chi^2 = ۸۳/۷۱$، ۰/۶۸ =wilks' Lambda). بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که این متغیرها نقش مهمی در تمایز افراد دارای زندگی زناشویی پایدار و ناپایدار ایفا می‌کنند و می‌توانند به‌عنوان شاخص‌های کلیدی در ارزیابی پایداری ازدواج مورد استفاده قرار گیرند.

***نویسنده مسئول:**
پست الکترونیکی: m.dehghani@pgu.ac.ir

استناد به این مقاله:
محمدی عبده‌وند، مهتاب، دهقانی، مصطفی، جوکار کمال آبادی، مهناز، هوشمند، فیضیه (۱۴۰۴). پیش بینی پایداری ازدواج بر اساس سبک دلبستگی، تمایز یافتگی و راهبردهای حل تعارض در زوج‌های با و بدون زندگی زناشویی پایدار. *روانشناسی خانواده*، ۱۲(۲)، ۱۱۱-۱۲۶.

مقدمه

ازدواج به‌عنوان یک شراکت قانونی الزام‌آور و دائمی بین همسران تلقی می‌شود که توافق کرده‌اند زندگی متشکل از عشق و مشارکت را با یکدیگر داشته باشند تا به‌عنوان یک فرد در مسیر زندگی خود به پیشرفت و رفاه متقابل برسند (Justina et al., 2022). از این منظر می‌توان ازدواج موفق را اصلی‌ترین رکن جامعه و مهم‌ترین رویداد زندگی یک فرد دانست؛ زیرا، مسئله‌ای صرفاً منحصر به دو نفر نیست بلکه؛ رویدادی است که هم به خانواده و هم به جامعه مرتبط است و می‌تواند به‌عنوان نقطه‌ی عطفی مهم و نمادی از موفقیت شخصی تلقی گردد (Karegar et al., 2024).

یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در ازدواج موفق، پایداری و ثبات آن است (Piao et al., 2020). پایداری ازدواج به‌عنوان تداوم رابطه‌ی زناشویی در طول زمان تعریف می‌شود. این مفهوم نه‌تنها به عدم وقوع طلاق یا جدایی قانونی اشاره دارد، بلکه شامل توانایی زوجین در مدیریت تعارض‌ها، حفظ تعهد عاطفی و ایجاد سازگاری در برابر فشارهای زندگی می‌باشد. بر اساس مدل آسیب‌پذیری فشار–انطباق، هرچه زوج‌ها در مواجهه با فشارهای بیرونی و درونی از منابع روان‌شناختی و راهبردهای سازگارانه‌ی مؤثرتری بهره‌مند باشند، احتمال پایداری و دوام ازدواج آن‌ها بیشتر خواهد بود (Okonkwo, 2024). عوامل گوناگونی می‌توانند بر پایداری زندگی زناشویی تأثیر بگذارند و یکی از این عوامل مهم، دلبستگی[1] است. دلبستگی به پیوند هیجانی نسبتاً پایداری اشاره دارد که میان نوزاد و مادر یا مراقبان اولیه‌اش –کسانی که نوزاد به‌طور منظم با آن‌ها تعامل دارد– شکل می‌گیرد. این پیوند هیجانی به‌عنوان مهم‌ترین عامل در تعاملات بین‌فردی و ایجاد ثبات در زندگی زناشویی شناخته شده (Huang et al., 2020) و می‌تواند امنیت رابطه را تضمین کند و از این طریق رضایت و سلامت روانی زوج‌ها را ارتقاء دهد (Khateri et al., 2024). مطالعات نشان داده است که، سبک‌های دلبستگی یکی از عوامل اصلی در واکنش و سازگاری زوج‌ها به استرس‌ها و تعارضات زناشویی است و نقش اساسی و تعیین کننده‌ای در روابط ایشان و کیفیت زندگی مشترک آن‌ها ایفا می‌کند. Moitinho (2022) نیز در پژوهش خود نشان داده است که، سبک‌های دلبستگی ناایمن (اضطرابی و اجتنابی) با اختلال در تنظیم هیجانی همراه بوده و رضایت و ثبات رابطه زناشویی را کاهش می‌دهد.

علاوه بر سبک دلبستگی متغیر دیگری که بر پایداری ازدواج تأثیر می‌گذارد تمایزیافتگی است (Dargahi et al., 2024). افرادی که از سطح بالای تمایزیافتگی برخوردارند، این توانایی را دارند که بدون غرق شدن در هیجانات شدید یا واکنش‌های تکانشی، از حقوق و منافع همسر خود حمایت کنند. به عبارت دیگر، تمایزیافتگی بالا به زوج‌ها این امکان را می‌دهد که در مواجهه با تعارض‌ها و اختلاف نظرها، ضمن بیان دیدگاه‌های خود، بتوانند احساسات شخصی‌شان را از احساسات طرف مقابل تفکیک کرده و ارتباطی مبتنی بر احترام متقابل و مرزبندی هیجانی مؤثر برقرار سازند (Joharifard et al., 2024). Shahnoosh Foroushani et al. (2022) در پژوهش خود نشان دادند که تمایزیافتگی همسران موجب حفظ مرزهای روانی سالم و تجربه‌ی صمیمیت زناشویی می‌شود و یکی از مؤلفه‌های مهم در ثبات روابط زناشویی است.

علاوه بر موارد فوق، تعارضات میان زوج‌ها از دیگر عواملی است که در حفظ و پایداری ازدواج تاثیر بسزایی دارد (Uhlich et al., 2023). تعارض زناشویی[2] را به‌طور کلی می‌توان به‌عنوان اختلافاتی آشکار میان زوج‌ها تعریف کرد که مانع سازگاری و ایجاد مشکلات در رابطه می‌شود (Kulak et al., 2025). این اتفاق (تعارضات زناشویی) به تدریج باعث تضعیف ارتباطات پایدار میان زوج‌ها شده و سلامت روانشناختی و هیجانی آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد که در صورت تداوم این روند، رشد عاطفی، اجتماعی و قابلیت سازگاری آینده‌ی زوج‌ها نیز ممکن است مختل گردد (Girma Shifaw, 2024). در مواجهه با تعارضات زناشویی، زوج‌های درگیر تعارض، از راهبردهای متنوعی در جهت مدیریت و حل تعارضات استفاده می‌کنند. این راهبردها به‌عنوان سبک‌ها و تاکتیک‌های حل تعارض شناخته شده و بازتابی از فرایندهای بین‌فردی و تنظیم هیجانی در روابط زناشویی به‌شمار می‌آیند (Ali et al., 2025). Bahramian et al. (2024) در پژوهش خود نشان دادند که به‌کارگیری روش‌های مؤثر در حل تعارض‌های زناشویی می‌تواند تضمین‌کننده‌ی

1. attachment
2. conflicts marital

کیفیت و پایداری زندگی مشترک باشد. چنین رویکردهایی علاوه بر ارتقای رضایت زناشویی، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین نیز عمل کرده و نقشی تعیین‌کننده در موفقیت یا عدم موفقیت نهایی زندگی مشترک ایفا می‌کنند.

به‌طور کلی، با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت که، پایداری ازدواج یکی از شاخص‌های اساسی موفقیت در روابط زناشویی به شمار می‌آید و تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل روان‌شناختی قرار دارد. برای نمونه؛ Pandey and Choudhury (2024) نشان دادند که میان سبک‌های دلبستگی و پایداری ازدواج رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که الگوهای دلبستگی شکل‌گرفته در دوران کودکی می‌توانند در بزرگسالی بر کیفیت و ثبات روابط زناشویی اثرگذار باشند. همچنین شواهد پژوهشی نشان داده‌اند که، سبک‌های دلبستگی ناایمن به‌طور غیرمستقیم و از طریق افزایش تعارض ادراک‌شده در تعاملات روزمره، موجب کاهش کیفیت و ثبات روابط عاشقانه می‌شوند. این یافته‌ها بیانگر آن است که دلبستگی ناایمن نه تنها به‌طور مستقیم بر رضایت رابطه اثر می‌گذارد، بلکه با فعال‌سازی الگوهای تعاملی تعارض‌آمیز، پایداری رابطه را نیز تهدید می‌کند (Sheng et al., 2023). از سوی دیگر، تمایزیافتگی به‌عنوان توانایی فرد در حفظ توازن میان منطق و هیجان، نقش مهمی در شکل‌گیری مرزهای روانی سالم و تقویت صمیمیت ایمن در رابطه زناشویی ایفا می‌کند و در این راستا، Mozas-alonso et al. (2022) در مطالعه‌ای بر روی والدین نوجوانان در اسپانیا نشان دادند که سطوح بالاتر تمایزیافتگی با رضایت زناشویی بیشتر و تعاملات خانوادگی کارآمدتر همراه است. این یافته‌ها مؤید آن است که تمایزیافتگی به‌عنوان یک عامل محافظتی می‌تواند به بهبود کیفیت رابطه و افزایش پایداری ازدواج منجر شود. این یافته همسو با نتایج پژوهشی است که توسط Rodríguez et al. (2023) بر روی ۹۵۸ زوج از ایالات متحده و اسپانیا انجام شد و نشان داد که تمایزیافتگی بالا با کاهش سبک‌های دلبستگی ناایمن، بهبود کیفیت رابطه و افزایش پایداری ازدواج رابطه دارد. این ارتباط حتی در شرایط کنترل عوامل استرس‌زای بیرونی نیز معنادار باقی ماند، که بر نقش تعدیل‌گر و محافظتی تمایزیافتگی در پایداری رابطه زناشویی دلالت دارد. افزون بر این، تمایزیافتگی به‌عنوان یکی از مفاهیم محوری در نظریه سیستم‌های خانواده بوون، به توانایی فرد در حفظ هویت فردی در عین تداوم صمیمیت اشاره دارد. شواهد تجربی نشان می‌دهد که این سازه نقش میانجی مهمی در کیفیت روابط زناشویی ایفا می‌کند. برای مثال Kim and Woo (2025) در مطالعه‌ای بر بزرگسالان کره‌ای نشان دادند که تمایزیافتگی از طریق تأثیر بر سلامت هیجانی خانواده مبدأ، به‌طور غیرمستقیم رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. این یافته‌ها بیانگر آن است که سطوح بالاتر تمایزیافتگی می‌تواند به تنظیم هیجانی مؤثرتر، کاهش تعارضات ناسازگارانه و در نهایت تقویت پایداری رابطه‌ی زناشویی منجر شود. همچنین، راهبردهای حل تعارض نیز یکی از مؤلفه‌های کلیدی در پایداری روابط زناشویی به‌شمار می‌روند. این راهبردها شیوه‌هایی برای مواجهه با چالش‌های ارتباطی هستند که در صورت ناکارآمدی، زمینه تنش‌های مداوم و گسست روابط را فراهم می‌کنند. بر این اساس، نتایج پژوهش Ali (2025) et al. نشان داد که استفاده از سبک‌های سازنده در حل تعارض می‌تواند به ارتقای رضایت زناشویی و تقویت پایداری رابطه منجر شود. یافته‌های پژوهش تایید می‌کنند که، تعارضات زناشویی می‌تواند پیامدهای زیستی قابل توجهی به همراه داشته باشد. برای نمونه؛ Wilson et al. (2024) در پژوهش خود گزارش نمودند که، تعارضات زناشویی با افزایش پاسخ‌های التهابی بدن همراه است، که این امر نشان‌دهنده‌ی بار فیزیولوژیک استرس‌های تعاملی مزمن در روابط صمیمانه است. چنین یافته‌هایی بیانگر آن است که، شیوه‌های ناکارآمد حل تعارض نه‌تنها کیفیت رابطه، بلکه سلامت جسمانی زوجین را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و در بلندمدت می‌تواند پایداری رابطه را تهدید کند.

با وجود اهمیت هر یک از مؤلفه‌های یادشده در مطالعات پیشین، اغلب پژوهش‌ها این سازه‌ها را به‌صورت مجزا و در چارچوب‌های نظری جداگانه بررسی کرده‌اند؛ در حالی که این متغیرها در سطوح متفاوت اما مکملی از کارکرد رابطه‌ی زناشویی عمل می‌کنند. سبک‌های دلبستگی به‌عنوان الگوهای هیجانی بنیادین، چارچوب درونی تجربه‌ی صمیمیت را شکل می‌دهند؛ تمایزیافتگی ظرفیت تنظیم هیجانی و حفظ مرزهای روانی در تعاملات نزدیک را فراهم می‌کند و راهبردهای حل تعارض نمود رفتاری این فرایندهای درونی در مواجهه با چالش‌های رابطه هستند. از این رو، بررسی همزمان این سه مؤلفه می‌تواند تصویری چندسطحی و منسجم از عوامل

متمایزکننده‌ی روابط پایدار و ناپایدار ارائه دهد؛ رویکردی که در ادبیات پژوهشی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل تمیزی زوج‌های پایدار و ناپایدار بر پایه‌ی این سه سازه‌ی کلیدی است تا مشخص شود کدام یک، بیشترین نقش را در پیش‌بینی عضویت افراد در هر یک از دو گروه ایفا می‌کنند. از منظر نظری، این مطالعه می‌تواند به یکپارچه‌سازی دیدگاه دلبستگی و نظریه‌ی سیستم‌های خانواده در تبیین پایداری ازدواج کمک کند و از منظر کاربردی، شاخص‌هایی علمی برای غربالگری، پیش‌بینی خطر ناپایداری و طراحی مداخلات هدفمند در حوزه‌ی مشاوره و زوج‌درمانی فراهم آورد.

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی با طرح پیش‌بین بود که با هدف پیش‌بینی عضویت افراد در دو گروه دارای زندگی زناشویی پایدار و ناپایدار و دستیابی به معادله‌ی ممیز انجام شد. جامعه‌ی آماری در این پژوهش، شامل دو گروه افراد متاهل (با زندگی زناشویی پایدار و با زندگی زناشویی ناپایدار) شهر بوشهر در سال ۱۴۰۳ بودند. نمونه‌ی پژوهش شامل ۲۲۶ نفر بود که از این تعداد، ۱۱۳ نفر در گروه دارای زندگی زناشویی پایدار و ۱۱۳ نفر در گروه دارای زندگی زناشویی ناپایدار قرار گرفتند. در گروه زندگی زناشویی ناپایدار، ۵۶ نفر (۴۹/۶٪) زن و ۵۷ نفر (۵۰/۴٪) مرد بودند. همچنین در گروه زندگی زناشویی پایدار، ۵۵ نفر (۴۸/۷٪) زن و ۵۸ نفر (۵۱/۳٪) مرد حضور داشتند. بر اساس توصیه‌های روش‌شناختی در تحلیل ممیز، به ازای هر متغیر مستقل حداقل ۲۰ مشاهده مورد نیاز است (Cramer, 2004). با توجه به تعداد متغیرهای پیش‌بین واردشده در مدل، حجم نمونه‌ی این پژوهش از حداقل مقدار پیشنهادی فراتر بوده و بنابراین کفایت لازم برای اجرای تحلیل ممیز و برآورد پایدار ضرایب را داشته است. افراد متأهل بدون زندگی زناشویی پایدار را متقاضیان طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره‌ی تخصصی خانواده، شورای حل اختلاف و دادگاه‌های خانواده تشکیل می‌دادند که نمره‌ی آن‌ها در پرسشنامه‌ی عدم ثبات زناشویی Edwards et al. (1987)[1] بالاتر از نقطه برش ۲۸ بود و به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. در مقابل افراد متاهل با زندگی زناشویی پایدار، از میان افراد عادی انتخاب شدند که نمره‌ی پایین‌تر از نقطه برش ۲۸ را در پرسشنامه‌ی عدم ثبات زناشویی به‌دست آورده بودند. این گروه نیز به‌طور در دسترس از بین شهروندان استان بوشهر انتخاب شدند.

روند اجرای پژوهش

روند نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش به‌صورت گام به گام و با رعایت اصول زیر انجام شد؛

۱. اخذ مجوزها و هماهنگی‌ها: مجوز اجرای پژوهش از دانشگاه خلیج فارس اخذ شد و با مراکز مشاوره تخصصی خانواده، شورای حل اختلاف و دادگاه‌های خانواده استان بوشهر هماهنگی به‌عمل آمد. ۲. تعیین معیارهای ورود به پژوهش: معیارهای انتخاب شامل؛ ازدواج رسمی، گذشت حداقل پنج سال از زندگی مشترک، تجربه‌ی تعارضات زناشویی و تمایل به همکاری در پژوهش بود. ۳. انتخاب افراد با زندگی زناشویی ناپایدار: افراد متأهل با مشکلات زناشویی از میان مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره، شورای حل اختلاف و دادگاه‌های خانواده شناسایی شدند. پس از ارائه توضیحات کامل درباره‌ی اهداف پژوهش و تضمین محرمانگی اطلاعات، پرسشنامه‌ها در اختیار آنان قرار گرفت. ۴. انتخاب افراد با زندگی زناشویی پایدار: برای شناسایی زوج‌های پایدار، مراجعه به ادارات، پارک‌ها و مراکز عمومی سطح شهر بوشهر صورت گرفت. افراد پس از دریافت توضیحات کامل درباره‌ی نحوه‌ی تکمیل پرسشنامه و تضمین حفظ محرمانگی اطلاعات، دعوت به مشارکت شدند. ۵. گردآوری و ورود داده‌ها: پس از تکمیل پرسشنامه‌ها توسط تمامی شرکت‌کنندگان، داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ شد و به روش تحلیل تمیز تجزیه و تحلیل گردید.

1. Marital Instability Index

ابزار سنجش

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کولینز و رید[1] (RAAS). این پرسشنامه توسط Collins and Read (1990) و با هدف ارزیابی مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه‌ی صمیمانه افراد ساخته شده است. این ابزار شامل ۱۸ سوال و سه خرده مقیاس؛ سبک وابستگی، سبک نزدیک بودن و سبک اضطرابی می‌باشد. نمره‌گذاری این پرسشنامه در یک طیف لیکرتی ۶ درجه‌ای از ۰ (کاملاً غلط) تا ۵ (کاملاً درست) انجام می‌شود و آزمودنی بر اساس نمره‌های به‌دست آمده در یکی از انواع سبک‌های دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی جای می‌گیرند (Hashemi et al., 2017). Collins and Read (1990) روایی واگرا و همگرای خرده مقیاس‌ها را با استفاده از پرسشنامه‌ی رفتار اجتماعی تگزاس برای سبک نزدیک بودن ۰/۲۹، سبک وابستگی ۰/۲۲- و سبک اضطرابی ۰/۳۰- محاسبه نمودند. علاوه بر این ضریب آلفای کرونباخ را برای مقیاس وابستگی ۰/۷۸، نزدیکی ۰/۸۵، اضطرابی ۰/۸۵ و کل مقیاس ۰/۸۳ به‌دست آوردند که حاکی از روایی و پایی مطلوب این ابزار است. در پژوهش حاضر نیز پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های دلبستگی ایمن، دلبستگی دو سوگرا/اضطرابی و دلبستگی اجتنابی به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۷۲ و ۰/۶۸به دست آمده است.

مقیاس تمایز یافتگی خود دریک[2] (DSI-SF). مقیاس تمایزیافتگی خود توسط Drake (2011) برای سنجش خود متمایزسازی تدوین شد. این مقیاس شامل ۲۰ سوال است که چهار خرده مقیاس: واکنش پذیری هیجانی، جایگاه من، برش هیجانی و هم آمیختگی با دیگران را شامل می‌شود. نمره‌گذاری این ابزار در یک طیف لیکرتی ۶ درجه‌ای از ۱ (کاملاً غلط) تا ۶ (کاملاً درست) صورت می‌گیرد. دامنه‌ی نمرات بین ۲۰ تا ۱۲۰ متغیر خواهد بود که، مجموع نمرات، بیانگر نمره کل تمایزیافتگی است و نمرات بالاتر تمایزیافتگی بیشتر را نشان می‌دهد (Fakhari et al., 2014). Fakhari et al. (2014) در پژوهش خود به بررسی مشخصات روان‌سنجی این پرسشنامه اقدام نمود که نتایج حاکی از روایی مطلوب این ابزار بوده است. همچنین Drake (2011) پایایی این خرده مقیاس را از طریق روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس واکنش پذیری هیجانی ۰/۸۸، جایگاه من ۰/۸۵، برش هیجانی ۰/۷۹ و هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۰ گزارش نمود. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۶۹، جایگاه من ۰/۶۱ واکنش‌پذیری هیجانی ۰/۷۶، هم آمیختگی با دیگران ۰/۶۲ و برش هیجانی ۰/۶۹ به‌دست آمده است.

پرسشنامه‌ی شیوه‌های حل تعارض[3] (RRS). پرسشنامه‌ی سبک‌های حل تعارض توسط Rahim (1983) طراحی شده است و ابزاری برای سنجش انواع سبک‌های حل تعارض در رابطه‌ی زناشویی می‌باشد. این پرسشنامه شامل ۲۸ سوال در قالب پنج بعد مختلف؛ ۱. سبک یکپارچگی، ۲. سبک مسلط، ۳. سبک ملزم شده، ۴. سبک اجتناب کننده و ۵. سبک مصالحه می‌باشد. سوال‌ها بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از ۰ (کاملاً مخالفم) تا ۴ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شوند. هر چه نمره‌ی یک سبک بالاتر باشد، نشان می‌دهد که فرد بیشتر تمایل دارد از آن سبک در مواجهه با تعارضات، به‌خصوص با همسر خود، استفاده کند. بنابراین، نمرات بالاتر نمایانگر گرایش قوی‌تر فرد به کاربرد آن روش برای حل تعارض است (Babaei et al., 2023). Haghighi et al. (2012) روایی این پرسشنامه را با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی مورد بررسی قرار داده و پایایی آن را با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های پرسشنامه در دامنه‌ی ۰/۷۰ تا ۰/۷۵ محاسبه نمودند، به‌علاوه اعتبار تصنیفی این ابزار بین ۰/۷۲ تا ۰/۶۷ گزارش گردید که نتایج نشان دهنده‌ی روایی و پایایی قابل قبول این پرسشنامه می‌باشد. همچنین در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های؛ سبک یکپارچگی (۰/۷۴)، سبک مسلط (۰/۸۷)، سبک ملزم شده (۰/۵۷)، سبک اجتناب کننده (۰/۶۳) و سبک مصالحه (۰/۶۹) به‌دست آمده است.

شاخص عدم ثبات زناشویی[4] (MII). این پرسش‌نامه در برگیرنده‌ی ۱۸ سوال است که توسط Edwards et al. (1987) با هدف سنجش عدم ثبات زناشویی و تمایل به طلاق و در دو بخش طراحی و تنظیم شده است. بخش اول شامل ۱۴ سوال می‌باشد که احتمال وقوع

1. Revised Adult Attachment Scale
2. Differentiation of Self Inventory –Short Form
3. Rahim Resolution Styles
4. Marital Instability Index

طلاق را مورد سنجش قرار می‌دهد و به‌گونه‌ای نمره گذاری می‌شود که به پاسخ بله نمره‌ی ۱ و به پاسخ خیر نمره‌ی ۰ تعلق می‌گیرد. بخش دوم نیز شامل ۴ سوال می‌باشد که جذابیت‌ها و موانع موجود بر سر طلاق را اندازه‌گیری نموده و در یک طیف لیکرت ۴ درجه ای (۱= هرگز، ۲= گاهی، ۳= معمولاً، ۴=همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. نمره‌ی پایین در این پرسشنامه بیانگر پایداری ازدواج و زندگی زناشویی و نمره‌ی بالا به معنای پایین‌تر بودن پایداری و بی‌ثباتی ازدواج می‌باشد (Fayyaz Saberi et al., 2020). Ghezelseflo and Hashemi (2018) روایی افتراقی پرسشنامه را با پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانسر (۱۹۷۶) با ضریب همبستگی ۰.۵۶ گزارش نمودند. Reihani et al. (2016) برای بررسی پایایی، از همسانی درونی استفاده نمودند که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ را محاسبه کردند که این یافته‌ها بیانگر روایی و پایایی قابل قبول این ابزار می‌باشد. در پژوهش حاضر نیز پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به‌دست آمده است.

یافته‌ها

تحلیل آماری نشان داد که تفاوت معناداری بین دو گروه از نظر جنسیت وجود ندارد (p=۰/۷۹، χ^2= ۰/۰۷). میانگین سن آزمودنی‌ها در گروه با زندگی زناشویی ناپایدار ۳۹/۲۶ سال (SD= ۷/۶۲) و در گروه با زندگی زناشویی پایدار ۴۱/۱۶ سال (SD= ۸/۹۸) بود. نتایج آزمون t مستقل نشان داد که تفاوت معناداری بین دو گروه از نظر سن آزمودنی‌ها وجود ندارد (p=۰/۰۹، t=۱/۶۷). میانگین مدت ازدواج در گروه با زندگی زناشویی ناپایدار ۱۲/۲۸ سال (SD= ۷/۹۰) و در گروه با زندگی زناشویی پایدار ۱۴/۰۴ سال (SD= ۸/۰۸) بود که تفاوت معناداری مشاهده نشد (p=۰/۱۶، t= ۳/۶۱). بیشترین تعداد فرزندان در هر دو گروه مربوط به دو فرزند بود و تحلیل کای-دو نشان داد که توزیع تعداد فرزندان بین دو گروه تفاوت معناداری ندارد (p=۰/۲۲، χ^2= ۵/۷۲). در مورد تحصیلات، بیشترین فراوانی در هر دو گروه مربوط به مقطع لیسانس و کمترین فراوانی مربوط به زیر دیپلم و دکتری بود. نتایج آزمون کای-دو نشان داد که تفاوت تحصیلات بین دو گروه نیز معنادار نیست (p=۰/۱۹، χ^2 ۶/۱۲). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که دو گروه از نظر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی همتاسازی شده و تحلیل‌های بعدی بدون نگرانی از سوگیری جمعیت‌شناختی قابل انجام است. جدول شماره‌ی ۱، توصیف متغیرهای پژوهش را از نظر؛ میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی برای گروه با زندگی زناشویی پایدار و ناپایدار نشان می‌دهد.

جدول ۱: توصیف متغیرهای پژوهش

متغیرهای پیش بین	گروه زندگی زناشویی پایدار		گروه زندگی زناشویی ناپایدار		شاخص‌های توزیع نرمال	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
دلبستگی ایمن	۱۷/۸۲	۳/۲۸	۱۸/۱۹	۲/۸۴	۰/۱۵	۰/۱۱
دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی	۱۴/۶۶	۴/۴۶	۱۷/۸۶	۵/۴۰	۰/۰۷	-۰/۵۵
دلبستگی اجتنابی	۱۷/۰۲	۳/۲۱	۱۸/۹۳	۲/۹۵	-۰/۳۷	۰/۴۶
تمایزیافتگی	۷۱/۹۷	۱۱/۸۶	۶۵/۸۷	۱۷/۱۳	۰/۵۶	۰/۷۴
حل تعارض یکپارچه	۲۲/۴۳	۴/۶۵	۱۵/۰۱	۷/۰۲	-۰/۶۴	-۰/۲۲
حل تعارض اجتنابی	۱۴/۶۵	۴/۱۳	۱۳/۰۷	۵/۱۶	-۰/۲۷	-۰/۱۴
حل تعارض مسلط	۸/۸۰	۴/۱۴	۱۰/۷۱	۴/۴۲	۰/۱۱	-۰/۴۲
حل تعارض مصالحه	۱۰/۸۵	۲/۲۴	۸/۸۴	۳/۴۳	-۰/۶۰	۰/۶۴
حل تعارض ملزم شده	۱۴/۹۵	۴/۱۲	۱۱/۲۸	۵/۵۸	۰/۰۱	-۰/۳۱

یکی از مفروضه‌های مهم روش تحلیل تمیز، نرمال بودن توزیع متغیرها است. علاوه بر یافته‌های توصیفی مربوط به میانگین وانحراف استاندارد متغیرهای پیش بین، جدول شماره‌ی ۱ نشان داد که، متغیرهای پژوهش همگی دارای قدر مطلق ضریب کجی کوچکتر از ۳ و قدر مطلق ضریب کشیدگی کوچکتر از ۱۰ بودند و لذا تخطی از نرمال بودن داده‌ها قابل مشاهده نبود و می‌توان در این پژوهش از روش تحلیل تمیز استفاده کرد. در ادامه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل ممیز به روش هم‌زمان و گام به گام استفاده شده است. در روش

هم‌زمان تمامی متغیرها در تفکیک دو گروه در نظر گرفته می‌شوند و در روش گام به گام همانطور که در جدول ۲ آمده است تعدادی از متغیرها حذف شدند و ۲ متغیر کارآمد باقی ماندند. در جدول ۲ اطلاعات مربوط به کارآمدترین متغیرها آمده است.

جدول ۲: خلاصه یافته‌های تحلیل ممیز به روش گام به گام همراه با لامبدای ویکلز ۴ متغیر پیش‌بین

مرحله	متغیرهای وارد شده	لامبدای ویلکز	درجه آزادی ۱	درجه آزادی۲	درجه آزادی۳	F دقیق		
						آماره	درجه‌ی آزادی ۱	درجه‌ی آزادی ۲
۱	حل تعارض یکپارچه	۰/۷۱	۱	۱	۲۲۴	۸۷/۵۳	۱	۲۲۴
۲	حل تعارض مسلط	۰/۷۰	۱	۱	۲۲۴	۴۷/۳۹	۲	۲۲۴
۴	دلبستگی اجتنابی	۰/۶۸	۱	۱	۲۲۴	۳۳/۴۰	۳	۲۲۴

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود به‌ترتیب قدرت تمیز، متغیرهای شیوه حل تعارض یکپارچه، حل تعارض مسلط و دلبستگی اجتنابی به خوبی توانایی پیش‌بینی و تمیز عضویت گروهی پایداری زندگی زناشویی را دارا می‌باشند و آماره‌ی F برای متغیرهای حل تعارض یکپارچه (۸۷/۵۳)، حل تعارض مسلط (۴۷/۳۹) و دلبستگی اجتنابی (۳۳/۴۰) در سطح p <۰/۰۰۱ معنی‌دار می‌باشد.

برای تعیین تابعی که بهترین توان تفکیک افراد با زندگی زناشویی پایدار و ناپایدار را دارد، از هر دو روش هم‌زمان و گام‌به‌گام استفاده شد. به‌منظور بررسی تفاوت این دو روش در شاخص‌های آماری و میزان صحت طبقه‌بندی، نتایج آن‌ها با یکدیگر مقایسه شد که در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳: مقایسه‌ی شاخص‌های تابع ممیز متعارف به روش هم‌زمان و گام به گام

شاخص‌ها		هم‌زمان	گام به گام
مرکز واره‌ها	تعداد تابع	۱	۱
	مقدار ارزش ویژه	۰/۴۶	۰/۴۵
	درصد واریانس	۱۰۰	۱۰۰
	همبستگی متعارف	۰/۵۶	۰/۵۵
	مجذور اتا	۰/۳۱	۰/۳۰
	لامبدای ویکلز	۰/۶۸	۰/۶۸
	مجذور کای	۸۳/۷۱	۸۲/۸۸
	درجه‌ی آزادی	۹	۳
	معنی‌داری تابع ممیز	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
	زندگی زناشویی پایدار	۰/۶۷	۰/۶۶
	بدون زندگی زناشویی ناپایدار	-۰/۶۷	-۰/۶۶
	درصد صحت پیش‌بینی عضویت گروهی	۷۴/./۷	۷۵/./۲

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود در روش هم‌زمان (که ۹ متغیر با یکدیگر وارد تحلیل شدند) لامبدای ویلکز ۰/۶۸ و مجذور کای ۸۳/۷۱ به‌دست آمده و تابع ممیز در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار می‌باشد. در روش گام به گام (که پس از وارد کردن تمامی متغیرها، ۳ متغیر در مدل باقی ماند) لامبدای ویلکز ۰/۶۸ و مجذور کای ۸۲/۸۸ به‌دست آمده و تابع ممیز در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار می‌باشد. با توجه به مقدار

لامبدای کوچک و مجذور کای بالا و معنی‌دار، نتیجه گرفته می‌شود که تابع ممیز به‌دست آمده از قدرت تشخیصی خوبی برای تبیین واریانس متغیر وابسته یعنی گروه‌های با زندگی زناشویی پایدار و ناپایدار برخوردار است. علاوه بر این، درصد صحت پیش‌بینی عضویت گروهی آشکار ساخت که تابع ممیز به‌دست آمده با روش هم‌زمان، به طور کلی ۰/۷۴/۷ درصد از افراد را به درستی دسته‌بندی نموده است و در روش گام به گام نیز صحت طبقه‌بندی ۰/۷۵/۲ می‌باشد. به‌منظور مقایسهٔ بهتر وضعیت صحت طبقه‌بندی در دو روش هم‌زمان و گام‌به‌گام، نحوهٔ دسته‌بندی افراد با زندگی زناشویی ناپایدار و با زندگی زناشویی پایدار شکل گرفته توسط دو تابع، در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: مقایسه دسته‌بندی افراد مشاهده شده و درصد پیش‌بینی شده به دو روش هم‌زمان و گام‌به‌گام

		پیش‌بینی شده					
		هم‌زمان			گام‌به‌گام		
		زندگی زناشویی پایدار	زندگی زناشویی ناپایدار	کل	زندگی زناشویی پایدار	زندگی زناشویی ناپایدار	کل
مشاهده شده	زندگی زناشویی پایدار	۹۲	۲۱	۱۱۳	۹۱	۲۲	۱۱۳
	زندگی زناشویی ناپایدار	۳۴	۷۹	۱۱۳	۳۴	۷۹	۱۱۳
درصد	زندگی زناشویی پایدار	٪۸۱/۴	٪۱۸/۶	٪۱۰۰	٪۸۰/۵	٪۱۹/۵	٪۱۰۰
	زندگی زناشویی ناپایدار	٪۳۰/۱	٪۶۹/۹	٪۱۰۰	٪۳۰/۱	٪۶۹/۹	٪۱۰۰

در تحلیل ممیز، اگرچه متغیرهای متعددی بررسی می‌شوند، اما ارزش پیش‌بینی آن‌ها یکسان نیست. برای تعیین سهم هر متغیر، ضرایب استاندارد و ساختاری محاسبه می‌گردد. همچنین برای ساخت تابع ممیز از ضرایب غیراستاندارد و مقدار ثابت استفاده می‌شود. به‌منظور محاسبه احتمال تعلق هر فرد به هر یک از گروه‌ها، ضرایب طبقه‌بندی نیز مورد نیاز است. مجموعه این ضرایب در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵: ضرایب غیراستاندارد، استاندارد، ساختاری و طبقه بندی به روش هم‌زمان

	روش هم‌زمان				
متغیرهای پیش‌بین	ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد	ضریب ساختاری	ضریب طبقه‌بندی	
				زندگی زناشویی پایدار	زندگی زناشویی ناپایدار
دلبستگی ایمن	۰/۱۳	۰/۰۴	-۰/۰۸	۱/۳۳	۱/۲۷
دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی	-۰/۰۷	-۰/۰۱	-۰/۴۷	۰/۹۰	۰/۹۲
دلبستگی اجتنابی	-۰/۲۵	-۰/۰۸	-۰/۴۵	۱/۴۶	۱/۵۸
تمایزیافتگی	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۳۰	۰/۴۳	۰/۴۳
حل تعارض یکپارچه	۰/۷۹	۰/۱۳	۰/۹۱	۰/۶۹	۰/۵۱
حل تعارض اجتنابی	-۰/۰۶	-۰/۰۱	۰/۲۴	۰/۲۷	۰/۲۹
حل تعارض مسلط	-۰/۲۶	-۰/۰۶	-۰/۳۲	۰/۴۹	۰/۵۷
حل تعارض مصالحه	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۵۱	۰/۰۷	۰/۰۵
حل تعارض ملزم شده	۰/۰۵	-۰/۰۱	۰/۵۵	۰/۳۳	۰/۳۱
عدد ثابت		-۱/۱۷		-۶۰/۶۴	-۶۲/۲۴

همانگونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود ضریب طبقه‌بندی در متغیر دلبستگی ایمن در گروه زندگی زناشویی پایدار ۱/۳۳ و در گروه زندگی زناشویی ناپایدار ۱/۲۷؛ در متغیر دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی در گروه زندگی زناشویی پایدار ۰/۹۰ و در گروه زندگی زناشویی ناپایدار ۰/۹۲؛ در متغیر دلبستگی اجتنابی در گروه زندگی زناشویی پایدار ۱/۴۶ و در گروه زندگی زناشویی ناپایدار ۱/۵۸؛ در متغیر تمایزیافتگی در گروه زندگی زناشویی پایدار ۰/۴۳ و در گروه زندگی زناشویی ناپایدار ۰/۴۳؛ در متغیر حل تعارض یکپارچه در گروه زندگی زناشویی پایدار ۰/۶۹ و در گروه زندگی زناشویی ناپایدار ۰/۵۱؛ در متغیر حل تعارض اجتنابی در گروه زندگی زناشویی پایدار ۰/۲۷ و در گروه زندگی زناشویی ناپایدار ۰/۲۹؛ در متغیر حل تعارض مسلط در گروه زندگی زناشویی پایدار ۰/۴۹ و در گروه زندگی زناشویی ناپایدار ۰/۵۷؛ در متغیر حل تعارض مصالحه در گروه زندگی زناشویی پایدار ۰/۰۷ و در گروه زندگی زناشویی ناپایدار ۰/۰۵؛ در متغیر حل تعارض ملزم شده در گروه زندگی زناشویی پایدار ۰/۳۳ و در گروه زندگی زناشویی ناپایدار ۰/۳۱ و همچنین عدد ثابت در گروه با زندگی زناشویی پایدار ۶۰/۶۴- و در گروه با زندگی زناشویی ناپایدار ۶۲/۲۴- می‌باشد. جدول ۵ پیش‌بینی احتمال عضویت گروهی و نمره‌های ممیز برای ۳ نفر با زندگی زناشویی پایدار و ۳ نفر با زندگی زناشویی ناپایدار را به روش هم‌زمان نشان می‌دهد.

بحث

یافته‌های پژوهش نشان دادند که سبک‌های دلبستگی (و مؤلفه‌های آن)، تمایزیافتگی و شیوه‌های حل تعارض (و مؤلفه‌های آن) توانستند به‌طور معناداری افراد دارای زندگی زناشویی پایدار و ناپایدار را از یکدیگر متمایز سازند. این یافته با پژوهش‌های Kim ans Woo (2025)؛ Mozas-alonso et al. (2022)؛ Sheng et al. (2023)؛ Wilson et al. (2024)؛ Yahya et al. (2021) همسو می‌باشد. با این حال، بررسی ترتیب ورود متغیرها در تحلیل ممیز گام‌به‌گام نشان داد که سهم پیش‌بینی‌کننده‌ها یکسان نبوده است. به‌طور مشخص، شیوه حل تعارض یکپارچه بیشترین قدرت تمایز را میان دو گروه داشته و در نخستین گام وارد مدل شده است که بیانگر نقش محوری آن در پایداری زندگی زناشویی است. پس از آن، حل تعارض مسلط و در نهایت دلبستگی اجتنابی وارد معادله شدند. این ترتیب نشان می‌دهد که متغیرهای رفتاری و تعاملیِ نزدیک به سطح تعاملات روزمره‌ی زوجین، سهم قوی‌تری در تمایز پایداری و ناپایداری رابطه دارند، در حالی که سازه‌های عمیق‌تر شخصیتی نظیر دلبستگی، هرچند معنادار، اما نقش زیربنایی کمتری را ایفا می‌کنند.

در تبیین نقش الگوی حل تعارضات زوجی بر پایداری ازدواج، می‌توان گفت که تعارضات میان زوج‌ها و پیامدهای منفی آن، نظیر کاهش شادمانی، افت رضایت از زندگی، تحلیل عزت نفس، افزایش دلبستگی‌های مشکل‌ساز و ظهور نشانه‌های آشفتگی روانشناختی، به کیفیت پایین و آسیب‌دیده زندگی زناشویی منجر می‌شود. از سوی دیگر، زمانی که زوج‌ها در مسیر حل تعارضات خود گام برداشته و تنش‌ها را به شیوه‌ای مطلوب مدیریت می‌کنند، شادمانی، تعهد و انسجام درونی آن‌ها افزایش یافته و کیفیت رابطه زناشویی ارتقا می‌یابد (Faridouni-Goliyan et al., 2024). مطالعات نشان داده‌اند که کیفیت زندگی زناشویی نه‌تنها موفقیت و عملکرد یک رابطه را توصیف می‌کند، بلکه به‌عنوان یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم تداوم، پایداری و ثبات زندگی مشترک به حساب می‌آید (Wilson et al., 2024). یکی از جنبه‌های کلیدی این یافته این است که الگوی حل تعارض زوج‌ها، علاوه بر تأثیر بر کیفیت رابطه زناشویی، اثرات گسترده‌ای بر دیگر جنبه‌های زندگی خانوادگی نیز دارد. به عبارت دیگر، زوج‌هایی که توانایی مدیریت و حل تعارضات خود را ندارند، به مرور زمان این ضعف را در رفتار و گفتار خود نشان می‌دهند که نهایتاً باعث کاهش سازگاری و پایداری ازدواج می‌شود (Delatorre & Wagner, 2018).

شیوه‌ی حل تعارض یکپارچه که بر همکاری، گفت‌وگوی سازنده و دستیابی به راه‌حل‌های برد–برد استوار است، می‌تواند از طریق تقویت تعاملات مثبت و کاهش چرخه‌های تعارض مخرب، پایداری زندگی زناشویی را افزایش دهد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک حل تعارض مشارکتی با ثبات و دوام بیشتر ازدواج رابطه مثبت دارد و زوج‌هایی که در مواجهه با اختلافات رویکردی همکارانه اتخاذ می‌کنند، سطوح بالاتری از تعهد و انسجام رابطه را تجربه می‌کنند (Njui et al., 2021). علاوه بر این، راهبرد حل

تعارض مسلط شامل مولفه‌هایی نظیر؛ گفت‌وگوی مؤثر، مراقبت از رفتار و گفتار، گوش دادن فعال، رویکرد حل مسئله و ارائه‌ی انتقاد سازنده است که امکان می‌دهد زوج‌ها در بستر مناسب و به شیوه‌ای کارآمد درباره‌ی تعارضات و نگرانی‌های موجود در رابطه با یکدیگر گفتگو کرده و در نهایت به دیدگاهی مشترک دست یابند و پیوند صمیمانه‌ی میان خود را تقویت کنند (Sheng et al., 2023). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شیوه‌های حل تعارض، به‌ویژه حل تعارض یکپارچه و مسلط، با کاربست مهارت‌هایی نظیر؛ همدلی، اجتناب از رفتارهای مخرب، حفظ احترام متقابل، دوست داشتن یکدیگر و بخشش است و به‌طور مستقیم بر سلامت روانی و جسمانی زوج‌ها اثر گذاشته و مسیر ورود به پایداری و انسجام رابطه را هموار می‌سازد.

علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نشان داد که، یکی از عوامل کلیدی در پایداری و کیفیت زندگی زناشویی، سبک دلبستگی زوج‌ها است. در تبیین این یافته می‌توان به نقش رفتارهای دلبستگی در ارتقای تعاملات ارتباطی زوج‌ها اشاره کرد. به این معنا که رفتارهای دلبستگی، چارچوبی برای شکل‌گیری طرز تلقی همسران نسبت به خود و رابطه‌ی متقابل فراهم می‌سازد و چرخه‌های ارتباطی مثبت را میان آن‌ها فعال می‌کند. به بیان دیگر، زوج‌هایی که از الگوهای دلبستگی ایمن برخوردارند، اغلب نگرش‌های مثبتی نسبت به خود و شریک زندگی‌شان دارند، احساسات و افکار خود را به‌راحتی ابراز می‌کنند، روابطی گرم‌تر و صمیمانه‌تر تجربه کرده و در نتیجه پایگاهی ایمن در زندگی مشترک خود ایجاد می‌کنند (Dehghani et al., 2025). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که زوج‌های دارای سبک دلبستگی ایمن، تمایل بیشتری به ایجاد تعاملات گرم و صمیمانه داشته و نگرش مثبتی نسبت به خود، شریک زندگی و روابط میان‌فردی‌شان دارند. چنین الگوهای دلبستگی نه‌تنها توانایی زوج‌ها در مدیریت و حل تعارضات زناشویی را ارتقا می‌بخشد، بلکه موجب تقویت پیوندهای عاطفی و تداوم رابطه‌ی صمیمانه میان آن‌ها می‌شود که در نهایت به پایداری زندگی مشترک می‌انجامد (Yahya et al., 2021). بنابراین، تقویت رفتارهای دلبستگی میان زوج‌ها باعث افزایش تعهد آن‌ها به زندگی مشترک می‌شود. بر همین اساس، تقویت رفتارهای مبتنی بر دلبستگی ایمن، نقش همسران را به‌عنوان حامی، مراقب و پناهگاهی امن برای یکدیگر پررنگ‌تر کرده و فضایی را فراهم می‌سازد که در آن هر یک از زوج‌ها احساس آرامش و امنیت کنند. این فضا بستری مناسب برای برآورده شدن نیازهای عاطفی، روانی و جنسی در چارچوب خانواده فراهم کرده و به رضایت و سازگاری بیشتر در روابط زناشویی منجر می‌شود؛ امری که در نهایت می‌تواند پایداری زندگی مشترک را تضمین نماید (Nikmanesh et al., 2023).

در تبیین نقش دلبستگی اجتنابی می‌توان گفت این سبک زمانی شکل می‌گیرد که فرد برای حفظ فاصله‌ی هیجانی، از صمیمیت عاطفی و وابستگی نزدیک پرهیز می‌کند و تمایل دارد نیازها و احساسات خود را کم‌اهمیت جلوه دهد یا از بیان آن‌ها اجتناب ورزد. چنین الگویی به‌طور طبیعی کیفیت تعاملات زوجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که دلبستگی اجتنابی با کاهش کیفیت رابطه و رضایت زناشویی همراه است؛ به‌گونه‌ای که افراد دارای سطوح بالاتر اجتناب، حمایت هیجانی و صمیمیت کمتری را در رابطه تجربه کرده و تمایل پایین‌تری به درگیری عاطفی و مشارکت فعال در رابطه نشان می‌دهند (Xiong et al., 2022). همچنین یافته‌های مطالعات مقطعی و طولی حاکی از آن است که این سبک دلبستگی با رضایت زناشویی و کیفیت رابطه همبستگی منفی معنادار دارد (Bretaña et al., 2024). در عمل، گرایش به کناره‌گیری در زمان تعارض، کاهش حمایت متقابل و پرهیز از مواجهه سازنده با مسائل، می‌تواند به شکل‌گیری تعارض‌های مزمن، افت تعهد و تضعیف پیوند عاطفی بینجامد. بر این اساس، دلبستگی اجتنابی از طریق تضعیف تعاملات حمایتی و محدود کردن ارتباط صمیمانه، زمینه کاهش پایداری زندگی زناشویی را فراهم می‌سازد.

در خصوص نقش تمایزیافتگی در پایداری روابط زوج‌ها می‌توان گفت که، تمایزیافتگی زوج‌ها موجب می‌شود تا ایشان بتوانند در عین حفظ استقلال شخصی و خودمختاری‌های سالم، صمیمیت و نزدیکی با همسرانشان را در موقعیت‌های مختلف زندگی تجربه کرده و بدون وابستگی بیش از حد به هم و یا دوری گزینی‌های افراطی -که باعث احساس نادیده‌گرفته‌شدن و ترس و اضطراب

ناشی از جدایی می‌شود- بتوانند روابط سالم و متعادلی را تجربه کنند (Kim & Woo, 2025). همچنین می‌توان گفت که، زوج‌های تمایزیافته قادرند تا ضمن حفظ هویت مستقل و ابراز افکار و احساسات خویش، از خودرهبری بالایی نیز برخوردار باشند و همین ویژگی، آن‌ها را به همسرانی امن و قابل اتکا بدل می‌سازد که حتی در مواجهه با تنش‌ها و دغدغه‌های بیرونی، پیوندی سازگار و استوار برقرار می‌کنند (Askari & Ghasemifard, 2025). یافته‌های پژوهشی نیز نشان داده است که، زوج‌های تمایز یافته در ابعاد گوناگونی نظیر؛ مدیریت هیجانات، حل تعارضات، شفافیت در رابطه، مواجهه با تغییرات و پذیرش بهتر تفاوت‌های یکدیگر، از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردارند و در برابر استرس‌ها و مشکلات زندگی، مقابله‌های موثرتری را به‌کار می‌گیرند؛ در نتیجه، مشکلات زناشویی خود را بهتر مدیریت کرده و از صمیمیت عاطفی بیشتری بهره‌مند می‌شوند که پیامد آن افزایش پایداری زندگی مشترک است. در مقابل، زوج‌هایی که از سطح پایین تمایزیافتگی برخوردارند اغلب با نشانه‌هایی چون؛ بی‌اعتمادی، شک و تردید، ناتوانی در ابتکار عمل، احساس حقارت، ناامیدی و نارضایتی از رابطه مواجه می‌شوند؛ مسائلی که به‌تدریج می‌تواند به بروز مشکلات پیچیده در روابط زناشویی، کاهش تعهد و نهایتاً شکست ازدواج بینجامد (Mozas-alonso et al., 2022).

یکی از محدودیت‌های اصلی این پژوهش، دشواری دسترسی به افراد دارای زندگی زناشویی ناپایدار بود که موجب شد نمونه‌گیری تصادفی امکان‌پذیر نبوده و از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شود. علاوه بر این، اجرای مطالعه صرفاً در استان بوشهر، تعمیم‌پذیری نتایج به سایر مناطق با بافت‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت را محدود می‌سازد. تمرکز پژوهش تنها بر افراد متأهل نیز باعث شده است که نتایج صرفاً در این گروه جمعیتی قابل تعمیم باشد و از کاربرد آن در مورد زوج‌های بدون ازدواج رسمی و دیگر اقشار جامعه جلوگیری شود. بر این اساس، توصیه می‌شود در پژوهش‌های آینده از روش نمونه‌گیری هدفمند یا چندمرحله‌ای در گستره‌های جغرافیایی و فرهنگی متنوع استفاده شود تا نمونه‌های پژوهشی متنوع‌تر گردند و تعمیم‌پذیری یافته‌ها افزایش یابد. همچنین، بررسی نقش سایر متغیرهای روان‌شناختی مانند: عملکرد جنسی، تاب‌آوری زناشویی و مهارت‌های حل مسئله در پیش‌بینی پایداری زندگی زناشویی می‌تواند به تعمیق دانش این حوزه کمک کند. در نهایت، انجام پژوهش‌های مداخله‌ای که بر تقویت سبک‌های دلبستگی ایمن، تمایزیافتگی و توسعه راهبردهای مؤثر حل تعارض تمرکز دارند، می‌تواند نقش بسزایی در ارتقاء کیفیت زندگی زناشویی و کاربردی ساختن یافته‌ها در حوزه مشاوره خانواده و روان‌درمانی ایفا نماید.

تشکر و سپاسگزاری

بدین‌وسیله از تمامی عزیزانی که با همکاری و مساعدت‌های ارزشمندشان در انجام این پژوهش ما را یاری نموده‌اند، قدردانی به‌عمل می‌آید.

تعارض منافع

نویسندگان تصریح می‌کنند که هیچ گونه تعارض منافعی وجود ندارد.

ملاحظات اخلاقی

این پژوهش برگرفته از پایان¬نامه¬ی کارشناسی ارشد رشته¬ی مشاوره خانواده دانشگاه خلیج فارس با کد اخلاق به شناسه IR.BPUMS.REC.1404.262 می‌باشد. در تمامی مراحل پژوهش، اصول اخلاقی از جمله؛ کسب رضایت آگاهانه، حفظ محرمانگی اطلاعات، صیانت از حریم خصوصی شرکت‌کنندگان مورد توجه و رعایت قرار گرفته است.

References

Ali, A. A., Mahmood, K., Javaid, Z. K., & Athar, M. (2025). Conflict resolution, psychological well-being and marital satisfaction among spouses of working people. *Pakistan JL Analysis & Wisdom*, *3*(2), 183-191. https://pjlaw.com.pk/index.php/Journal/article/view/v3i2-183-191

Askari, A., & Ghasemifard, M. (2025). Predicting emotional-divorce based on family communication patterns and self-differentiation with the mediation role of primary maladaptive schema of women in Karaj region. *Family and health, 1*(14), 240-259. https://sanad.iau.ir/Journal/fhj/Article/1199493 [In Persian]

Babaei, S., Dehghani, M., & Zahedi-Tajrishi, K. (2023). Modeling interpersonal trust in couples based on mentalization capacity, conflict resolution, and internal working model. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 29(3), 304-319. https://doi.org/10.32598/ijpcp.29.3.4680.1 [In Persian]

Bahramian, A., Kazemi, S. A., Javidi, H., & Barzegar, M. (2024). Investigating the relationship between conflict resolution styles, irrational beliefs, and communication patterns with marital conflicts. *Scientific Quarterly of Psychological Methods and Models*, *15*(55), 1-20. https://doi.org/10.30495/jpmm.2023.28979.3501 [In Persian]

Bretaña, I., Alonso-Arbiol, I., Lavy, S., & Zhang, F. (2024). Women's avoidant attachment, conflict solving, and relationship satisfaction through individualism and masculinity. *Current Psychology*, *43*(10), 8699-8712. https://doi.org/10.1007/s12144-023-04988-1

Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology, 58*(4), 644-663. https://doi.org/10.1037/0022-3514.58.4.644

Cramer, D. (2004). *Advanced quantitative data analysis in behavioral and social sciences* (P. S. H. Farahani, H. Talebi, & M. Halissaz, Trans, Trans.). Tehran: Ravan Shenasi va Honar Publications. https://www.iranketab.ir/book/79096-advanced-quantitative-data-analysis [In Persian]

Dargahi, S., Ayadi, N., & Khabazi, M. (2024). Causal Relationships of Differentiation, Latent Communicative Aggression, and Emotional Divorce in Conflicting Women with the Mediating Role of Marital Conflict. *Iranian Journal of Family Psychology*, *11*(1), 48-61. https://doi.org/10.22034/ijfp.2024.2028681.1317 [In Persian]

Dehghani, M., Satian Nejad, Z., & Aslani, K. (2025). The Effectiveness of Hold Me Tight Enrichment Program Based on Emotionally-Focused Couple Therapy on Emotional Safety and Attachment Behaviors of Incompatible Couples. *Biannual Journal of Applied Counseling*, *14*(2), 1-22. https://doi.org/10.22055/jac.2025.48575.2064 [In Persian]

Delatorre, M. Z., & Wagner, A. (2018). Marital conflict management of married men and women. *Psico-usf, 23*(2), 229-240. http://dx.doi.org/10.1590/1413-82712018230204

Drake, J. R. (2011). *Differentiation of Self Inventory –Short Form: Creation & Initial Evidence of Construct Validity.* PhD Dissertation, University of Missouri-Kansas City. https://mospace.umsystem.edu/items/ae88608a-fb5d-48b9-8031-685b27b8d3c3

Edwards, J. N., Johnson, D. R., & Booth, A. (1987). Coming apart: A prognostic instrument of marital breakup. *Family Relations, 36*(2), 168-170. https://doi.org/10.2307/583948

Fakhari, N., Latifian, M. and Etemd, J. (2014). A Study of Psychometric Properties of the Executive Skills Scale for Pre-School Children (Parent Form). *Quarterly of Educational Measurement*, *5*(15), 35-58. https://jem.atu.ac.ir/article_268.html?lang=fa [In Persian]

Faridouni-Goliyan, G., Sadeghifard, M., & Yousefi, E. (2024). Comparing the effectiveness of solution-focused narrative therapy and solution-focused therapy on quality of life in couples with marital conflict. *Journal of Mashhad University of Medical Sciences*, *67*(4), 1268-1284. https://doi.org/10.22038/mjms.2024.80962.4663 [In Persian]

Fayyaz Saberi, M. H., Toozandehjani, H., Samari, A. A., & Nejat, H. (2020). Predicting marriage stability based on marital adjustment and sexual self-disclosure by the mediating role of emotional intelligence. *Research in Clinical Psychology and Counseling*, *9*(2), 56-70. https://doi.org/10.22067/ijap.v9i2.81087 [In Persian]

ghezelseflo, M. & Hashemi, S. (2018). Prediction of marital instability: Couple intimacy and relational maintenance strategy. *Biannual Journal of Applied Counseling*, *8*(1), 1-18. https://doi.org/10.22055/jac.2018.24123.1535 [In Persian]

Girma Shifaw, Z. (2024). Marital communication as moderators of the relationship between marital conflict resolution and marital satisfaction. *The American Journal of Family Therapy, 52*(3), 249-260. https://doi.org/10.1080/01926187.2022.2089404

Haghighi, H., Zarei, E., & Ghaderi, F. (2012). Factor structure and psychometric properties of the Rahim Organizational Conflict Inventory-II (ROCI-II) among Iranian couples. *Family Counseling & Psychotherapy*, *2*(1), 534-562. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22516654.1391.2.1.7.2 [In Persian]

hashemi, S., Dortaj, F., Sadipour, E., & Asadzadeh, H. (2017). Structural model of shame and guilt feelings based on parenting styles: The mediating role of attachment styles. *Applied Psychology*, *11*(1), 475-493. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20084331.1396.11.1.1.8 [In Persian]

Huang, C. Y., Sirikantraporn, S., Pichayayothin, N. B., & Turner-Cobb, J. M. (2020). Parental attachment, adult-child romantic attachment, and marital satisfaction: An examination of cultural context in Taiwanese and Thai heterosexual couples. *International Journal of Environmental Research and Public Health, 17*(3), 1-13. https://doi.org/10.3390/ijerph17030692

Joharifard, F., Kachooei , M., Pirboudaghi, B., & Bastami Katuli, M. (2024). Explaining the causal role of differentiation of self on the marital interaction stability with the mediation of mindfulness in marital relationship and sensitivity to rejection. *Akhlāq-i zīstī i.e., Bioethics Journal*, *14*(39), 1-13. https://doi.org/10.22037/bioeth.v14i39.44654 [In Persian]

Justina, I. D. R., Abubakar, A., & Thomas, O. A. (2022). Effect of marital counselling on marital stability among married couples in Niger State, Nigeria. *Asian Basic and Applied Research Journal, 4*(1), 352-361. https://jofresearch.com/index.php/ABAARJ/issue/view/4?utm_source=chatgpt.com

Karegar, M., Kimiaei, A., Karshki, H., & Ahmadi, Kh. (2024). The ideal marriage model: a case study of couples living in mashhad. *Khorasan Cultural and Social Studies*, *18*(4), 159-196. https://doi.org/10.22034/fakh.2025.485744.1695 [In Persian]

Khateri, M., Fallahchai, R., & Samavi, A. (2024). The role of self-esteem and attachment styles in predicting mate selection among newly married or engaged couples. *Family Research, 20*(1), 6-23. https://doi.org/10.48308/jfr.20.1.6 [In Persian]

Kim, S., & Woo, S. (2025). Indirect Effects of Self-Differentiation and Mentalization on Family of Origin Health and Marital Satisfaction Among Korean Adults. *Journal of Marital and Family Therapy*, *51*(1), e12756. https://doi.org/10.1111/jmft.12756

Kulak, J. A., Heavey, S. C., Marsack, L. F., & Leonard, K. E. (2025). Alcohol misuse, marital functioning and marital instability: An evidence-based review on intimate partner violence, marital satisfaction and divorce. *Substance Abuse and Rehabilitation, 16*, 39-53. https://doi.org/10.2147/SAR.S462382

Moitinho, D. D. S. (2022). *Marital Satisfaction and Attachment Style: The Mediating Role of Emotional Intelligence and Religious Commitment.* Doctoral Dissertation, Liberty University. https://digitalcommons.liberty.edu/doctoral/4042/

Mozas-Alonso, M., Oliver, J., & Berástegui, A. (2022). Differentiation of self and its relationship with marital satisfaction and parenting styles in a Spanish sample of adolescents' parents. *PloS one*, *17*(3), e0265436. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0265436

Nikmanesh, E., Roshan Chesli, R., Farahani, H., & Sadeghi, M. A. (2023). The Relationship between Attachment Styles and Marital Satisfaction: The Moderated Mediating Role of Attachment Behaviors. *Journal of Modern Psychological Researches*, *17*(68), 307-317. https://doi.org/10.22034/jmpr.2023.15335

Njui, F. N., Gichuki, R., & Pinto, H. (2021). Influence of conflict resolution styles on marital stability among married individuals at St. Monica Catholic Church, Kitengela, Kajiado County, Kenya. *International Journal of Research & Innovation in Social Science,* *5*(9), 358-365. https://ideas.repec.org/a/bcp/journl/v5y2021i09p358-365.html

Okonkwo, K. (2024). The Role of Attachment Styles in Marital Stability: A Psychological Approach to Strengthening Relationships. *American Journal of Psychology*, *6*(4), 35-50. https://dx.doi.org/10.47672/ajp.2474

Pandey, S. L., & Choudhury, S. A. (2024). Attachment Styles and Interpersonal Emotion Regulation in Married Couples: A Quantitative Investigation in the Cultural Context of Mumbai. *International Journal of Indian Psychology*, *12*(1), 1659-1666. https://doi.org/10.25215/1201.153

Piao, X., Ma, X., Zhang, C., & Managi, S. (2020). Impact of gaps in the educational levels between married partners on health and a sustainable lifestyle: Evidence from 32 countries. *Sustainability, 12*(11), 4623. https://doi.org/10.3390/su12114623

Rahim, M. A. (1983). A measure of styles of handling interpersonal conflict. *Academy of Management Journal, 26*(2), 368-376. https://doi.org/10.2307/255985

Reihani, R., Soleimanian, A. A., & Nazifi, M. (2016). Predicting marital instability based on emotion regulation skills and identity styles. *Clinical Psychology and Counseling Research*, *6*(1), 60-76. https://doi.org/10.22067/ijap.v6i1.51140 [In Persian]

Rodríguez-González, M., Bell, C. A., Pereyra, S. B., Martínez-Díaz, M. P., Schweer-Collins, M., & Bean, R. A. (2023). Differentiation of self and relationship attachment, quality, and stability: A path analysis of dyadic and longitudinal data from Spanish and US couples. *Plos one*, *18*(3), e0282482. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0282482

Shahnoosh Foroushani, A. H., Jahangir, P., & Baseri, A. (2022). Structural Relationship between Emotional Intelligence and Self-differentiation with the Stability of Marriage Through the Mediation of Intimacy.

Islamic Perspective on Educational Science, *10*(19), 107-136. https://doi.org/10.30497/esi.2023.243564.1582 [In Persian]

Sheng, R., Hu, J., Liu, X., & Xu, W. (2023). Longitudinal relationships between insecure attachment and romantic relationship quality and stability in emerging adults: The mediating role of perceived conflict in daily life. *Current Psychology, 42*(17), 14191-14201. https://doi.org/10.1007/s12144-021-02668-6

Uhlich, M., Nouri, N., Jensen, R., Meuwly, N., & Schoebi, D. (2022). Associations of conflict frequency and sexual satisfaction with weekly relationship satisfaction in Iranian couples. *Journal of Family Psychology*, *36*(1), 140-146. https://doi.org/10.1037/fam0000878

Wilson, S. J., Syed, S. U., Yang, I. S., & Cole, S. W. (2024). A tale of two marital stressors: comparing proinflammatory responses to partner distress and marital conflict. *Brain, Behavior, and Immunity*, *119*, 898-907. https://doi.org/10.1016/j.bbi.2024.05.003

Xiong, L., Zhou, C., Yan, L., Zhao, P., Deng, M., & Hu, Y. (2022). The impact of avoidant attachment on marital satisfaction of Chinese married people: Multiple mediating effect of spousal support and coping tendency. *Acta psychologica*, *228*, 103640. https://doi.org/10.1016/j.actpsy.2022.103640

Yahya, F., Yusoff, A., Talib, A. T., Singh, S. S. D., Mohad, A. H., Isa, N. A. M., & Khiri, M. J. A. (2021). Attachment styles and marital quality between spouses. *Journal of Cognitive Sciences and Human Development, 7*(1), 57-71. https://doi.org/10.33736/jcshd.2876.2021